



درک معنای زنان از غیرت مردانه در میان

مخاطبان فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش

نیلوفر آقائی^۱، احسان آقابابایی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۶، تاریخ تایید: ۹۸/۱۲/۶

چکیده

«غیرت» ارزشی فرهنگی در نظام خانوادگی ایران است. با وقوع تغییرات فرهنگی در طول چند دهه گذشته، مواجهه زنان با این انگاره دچار دگرگونی شده است. مقاله حاضر به دنبال این هدف است که درک زنان از معنای غیرت مردان را تفسیر کند و بدین منظور مخاطبان فیلم سینمایی «ملی و راه‌های نرفته‌اش» را مینا قرار داده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل روایت با استفاده از تکنیک «ویلیام لبوف» است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه است. بدین نحو که ابتدا فیلم برای مصاحبه‌شوندگان به نمایش گذاشته شد و زنان پس از تفسیر فیلم، به روایت زندگی تجربی خود و درکشان از غیرت پرداختند. در نهایت، گزارش نویسی بر اساس مراحل تکنیک فوق صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد زنان و مردان درک متفاوتی از غیرت دارند. زنان غیرت را به مثابه‌ی «حمایت الزامی» درک می‌کنند؛ یعنی حمایتی مادی و معنوی که همراه با اعتماد، عدم حرمت‌شکنی، عدم بدبینی و عدم شکاکیت است. زنان این نوع غیرت را برای زندگی خود لازم می‌دانند؛ زیرا آن را نماد دوست داشتن و علاقه همسر تلقی می‌کنند. به‌زعم زنان، مردان غیرت را نوعی کنترل بر زنان دانسته و نتیجه آن تحمیل خشونت است. این عدم تقارن در فهم غیرت برای زوجین، بحران‌ساز است. خوانش مخاطبان نیز از فیلم نیز دوگانه است. برخی از روایان، با شخصیت «ملیحه» در فیلم احساس همدلی می‌کردند چون زندگی شبیه او را تجربه کرده بودند و برخی دیگر فیلم را اغراق آمیز می‌دانستند. این امر نشان می‌دهد که درک مخاطبان از فیلم ملهم از تجربیات واقعی زندگی‌شان است. **واژگان کلیدی:** تحلیل روایت، درک معنا، سینمای ایران، غیرت، مخاطبان سینما.

۱ دانشجوی دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا تهران (نویسنده مسئول)؛

aghaei.nioofar73@yahoo.com

۲ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان؛ ehsan_aqababae@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعه منحنی، خانواده نیز خودبه‌خود منحنی خواهد بود برعکس در سلامت جامعه سازمان‌های آن از جمله خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهد بود. خانواده زن‌شوهری یکی از انواع خانواده‌ای است که در آن تأکید بر روابط زن و شوهر است که بعضی آن را با خانواده هسته‌ای مترادف می‌دانند. یکی از موضوعات مهم در هر خانواده، مسئله قدرت است. تفویض قدرت در خانواده، الگوهای متفاوتی دارد که از جمله آن می‌توان به خانواده مردسالار، زن‌سالار و فرزندسالار اشاره کرد (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۶۴).

خانواده مردسالار خانواده‌ای است که مرد تمامی قدرت و احترام را در خانه در دست دارد. مردسالاری یعنی حاکمیت مرد در خانواده به‌خوبی مشهود است و مرد، انتقال‌دهنده خویشتوانی است. در برابر خانواده مردسالار، خانواده‌ای است که در آن زن، اهمیت بیشتری می‌یابد. بارزترین این الگوها قدرت را در خانواده به مرد یا زن تفویض کرده است. به‌علاوه، خانواده ایرانی در عصر حاضر به موازات تحولات بنیادین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان، دگرگونی‌های عمده ساختاری را تجربه می‌کند.

امروزه به دلیل تغییراتی که دائماً به‌طور مستمر به وقوع می‌پیوندند و به‌نوعی بی‌ثباتی را بر خانواده تحمیل می‌کنند، نمی‌توان شکل واحدی را برای خانواده ایرانی متصور شد و هم‌زمان می‌توان ویژگی‌های فرهنگ‌های سنتی، مدرن و پسامدرن را در خانواده مشاهده کرد. چنین مسئله‌ای سبب بروز تعارض‌های گوناگون در خانواده می‌شود و در نتیجه خانواده را به اتخاذ استراتژی‌های گوناگون برای حل این تضادها و تعارض‌ها وادار می‌کند. به موازات مرکزیت یافتن خانواده در دنیای مدرن و تبدیل آن به ابژه شناخت و فضای دائمی بحث و گفتگو، سازوکارهای تولید لذت، معنا و عملکرد خانواده تغییر می‌یابد. در عصر حاضر، شاهد تحول و دگرگونی در ساخت خانواده هستیم. تحول در محتوای خانواده نظیر تحول در اشکال عشق‌ورزی رابطه، اهمیت یافتن فردیت، صمیمیت و کارکردهای خانواده است. بسیاری از خصایص از جمله صفات اخلاقی مثبت و منفی هریک در شرایط خاص به‌نوعی در گفتار و رفتار فرد بروز و نمود پیدا می‌کند برخی از این اوصاف، جنبه اجتماعی دارد و تنها در بستر اجتماع و در ارتباط‌گیری با افراد جامعه، رشد و ظهور پیدا می‌کند. یکی از صفات اخلاقی که در قالب خانواده به‌کاربرده می‌شود؛ «غیرت» است.

غیرت یکی از مفاهیمی است که در شرایط، محیط و فرهنگ‌های خاص، همانند دیگر صفات اخلاقی دچار افراط و تفریط می‌شود. غیرت صفتی نفسانی است در انسان که هرگاه احساس کند محبوب او (اعم از دین، ناموس، اموال و...) به خطر افتاده است، در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهد، از ارزش مورد نظر دفاع می‌کند یا لاقلاً ناراحتی و غصه در او ایجاد می‌شود (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۹). در خانواده مردسالار غیرت فضیلتی صرفاً مردانه قلمداد شده است و عموماً به حساسیت مرد در قبال ناموس و حریم ناموسی خود اطلاق می‌گردد (دهقان سیمکانی، ۱۳۹۲: ۸۳). در جامعه ایران به مردی که یکسره مراقبت خواهر و مادر و همسر خود است و آنها را محدود می‌کند و از ارتباط آنها با دیگران به شدت جلوگیری می‌کند، باغیرت می‌گویند.

سینما یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌های شناخت دگرگونی‌های خانواده و همچنین یکی از مؤثرترین رسانه‌ها در بازنمایی واقعیت است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است (علی احمدی، ۱۳۹۶: ۶۰) از آنجایی که عصر جدید عصر ارتباطات نامیده می‌شود و سینما پل ارتباطی مردم و دغدغه‌های جامعه امروزی است که در قالب فیلم به نمایش گذاشته می‌شود، مخاطبان زیادی را به سمت خود کشیده است و اهمیت مفهوم غیرت به گونه‌ای است که در برخی از فیلم‌های ایرانی از جمله فیلم سینمایی «ملی و راه‌های نرفته‌اش» می‌توان به طور واضح به محوریت آن پی برد.

اگر بیشتر بنگریم خواهیم دید که این نوع نگرش تماماً بر آموزه‌ها و قوانین مردسالار استوار است و شاید اعمال آن بر زنان را تا حد یک ابژه که باید از او مراقبت شود، کاهش می‌دهد و اعمال این قدرت مردانه بدون توجه به زنان یک‌سویه‌نگری است؛ چراکه افراط در آن می‌تواند رنج‌ها و آسیب‌های فراوان را برای زنان به همراه داشته باشد و گاهی منجر به ازهم‌پاشیدگی این نهاد اجتماعی شود. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که مخاطبان زن در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش چگونه غیرت مردانه را فهم می‌کنند؟ به بیان دیگر درک معنای غیرت و شیوه معنادهی آنان به غیرت در میان زنان متأهل چگونه می‌باشد؟

مرور پیشینه پژوهشی

پیشینه مطالعاتی که در خصوص مسئله غیرت انجام شده، بسیار محدود است و انتقاد وارد به این مطالعات، آن است که فقط به صورت نظری به مباحث فقهی و اسلامی آن اشاره شده است و هیچ کدام از مطالعات به بررسی تجربی این موضوع نپرداخته‌اند. از طرف دیگر تعدادی از پژوهش‌ها

این مفهوم را با مفهوم حسادت ادغام کرده‌اند و به سنجش تجربی حسادت پرداخته‌اند. در کل مطالعات مرتبط با موضوع را می‌توان سه دسته «غیرت»، «حسادت» و «خشونت خانگی» تقسیم‌بندی کرد.

در لاتین معادل دقیق واژه غیرت وجود ندارد و تحقیقات موجود بیشتر در زمینه حسادت است. تحقیقاتی که در زمینه غیرت وجود دارد، از سال ۱۹۹۲ به بعد روبه افزایش است (رودگر و قاسمی، ۱۳۹۴، فرحانی‌زاده و محمدیان، ۱۳۹۵، اکبری و دیگران، ۱۳۹۷) و همان‌طور که گفته شد عموماً به روش توصیفی-تحلیلی و نقلی به بررسی آیات و روایات در باب غیرت و انواع غیرت، کارکردها و معانی آن پرداخته است که در این مطالعات کار تجربی دیده نشد و صرفاً نظری مشاهده شد. همچنین در تحقیقی (خزان و وثوقی، ۱۳۹۵) به تأثیر فرهنگ مردسالار بر کیفیت زندگی زناشویی اشاره شده است.

تعدادی از مطالعات (Schutzwohl.2007, Delpriore & Buss.2012, Andrew & Shah.2013) در مورد تفاوت جنسی در حسادت به نتایج حاکی از اینکه زنان نسبت به مردان حسادت بیشتری دارند، رسیده‌اند. در تحقیقات دیگر (Clanton.1996, Attridge.2013, Harris & Henniger.2013, Zandbergen & Brown.2014 و سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵) حسادت جنسی و حسادت عاشقانه و رمانتیک از مهم‌ترین نوع حسادت به شمار می‌رود. تحقیقات (Tong.2003، نازپرور، ۱۳۸۱، احمدی و دیگران، ۱۳۸۷، نوح جاه و دیگران، ۱۳۸۹ و نویدنیا و شاملو، ۱۳۹۷) نیز به بررسی خشونت خانگی و تأثیرات آن پرداخته که جرائم ناموسی و قتل‌های ناموسی (موسوی و حسینی، ۱۳۹۴) ذیل آن قرار می‌گیرد که در آن غیرت خانوادگی کاملاً محرز است. لذا این پژوهش درصدد است به پژوهش کیفی در مورد درک معنای زنان از غیرت مردانه با روش تحلیل روایت بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

احساسات انسانی توسط فرآیندها و نیروی‌های اجتماعی، به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند. احساسات در پاسخ به شرایط اجتماعی و توسط یادگیری اجتماعی شکل گرفته‌اند. اغلب احساسات به صورت فیزیولوژیک یا روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و جنبه‌های اجتماعی آن غالباً نادیده گرفته شده است. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی روی احساسات ما تأثیر می‌گذارند و احساسات می‌توانند بر سودمندی اجتماعی، تعارض اجتماعی و ترتیبات اجتماعی تأثیر بگذارند و می‌توانند به راحتی نهادینه شوند، مانند شادی و غم؛ بنابراین زندگی و الگوی تجربه‌های عاطفی

در پاسخ به تغییرات در جامعه و فرهنگ تغییر می‌کنند. همان‌طور که کالینز (Collins, 1975: 95) مشاهده کرد، از طریق احساسات است که انسان رفتار عاطفی و قدرت را تمرین می‌کند. پس می‌توان گفت، احساسات به‌طور غیرقابل‌انکاری اجتماعی هستند و مطالعه آن برای درک اجتماعی، تعاملات، نهادهای اجتماعی، جامعه و فرهنگ مفیدند. در بین احساسات ما، اغلب حسادت و غیرت به‌جای هم به‌کاربرده می‌شوند و در زندگی واقعی ممکن است هم معنا گرفته شوند، اما هرکدام در موقعیت‌های مختلفی کاربرد دارند. برخی از محققین غیرت را جنبه خودخواهانه نظام عشقی معنا کرده‌اند که هدف مخصوص آن تملک انحصاری شیء محبوب است، اعم از اینکه این شیء یک زن، یک شخص دیگر، قدرت، شهرت یا ثروت باشد (Klineberg, 1961: 1386). این در حالی است که این تعاریف با معنای حسادت و رشکی که خواهان زوال نعمت از دیگری و یک نوع حس منفی است، بسیار متفاوت است. با توجه به تحقیقات انجام‌شده معادل غیرت در انگلیسی "Jealousy" و معادل حسادت "envy" است. غیرت^۱ ممکن است به‌عنوان یک رفتار محافظتی در یک رابطه به‌خصوص ازدواج که همراه با تهدید ادراک‌شده است، تعریف شود. محافظت ممکن است شامل افکار، احساسات و اقدامات باشد. هدف غیرت، حفاظت در رابطه‌ای از خود در برابر تهدید رقیب است. غیرت بزرگسالان معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که فردی باور کند که یک رابطه ازدواج یا رابطه عاشقانه (به حقیقت یا برحسب تصور) توسط یک رقیب تهدید می‌شود.

راف^۲ نیز از ادبیات قوم‌شناسی استفاده کرد تا نشان دهد که موقعیت‌های مشخص‌شده که غیرت در آن رخ می‌دهد، زمانی است که فرد برای همسر خود یک شریک واقعی یا تصویری قائل می‌شود بنابراین غیرت از فرهنگ آموخته می‌شود که توسط ارزش‌های اجتماعی، مذهبی و اخلاقی در افراد درونی شده است. در حقیقت غیرت اغلب برای افراد، زوجها و جامعه مفید است و در عشق و ازدواج و دیگر روابط به علت محافظت در آن، می‌تواند به همبستگی اجتماعی کمک کند. اما اصولاً غیرت را به‌عنوان یک مفهوم ناپسند در نظر می‌گیرند و سودمند بودن آن در فرهنگ و جامعه ما به‌آسانی نادیده گرفته‌شده است. امروزه اکثر آمریکایی‌ها از این واژه برای توصیف حسادت نامناسب و غیر سازنده استفاده می‌کنند و هیچ توجیهی برای رفتار سازنده‌ای که این مفهوم می‌تواند از ازدواج محافظت کند، نیاورده‌اند (Clanton, 1996: 400). دیدگاه

1 Jealousy

2 Ralph B. Hupka

مقایسه‌ای از غیرت می‌گوید گرچه حسادت جهانی است، نه تنها در سراسر فرهنگ‌ها بلکه در طول زمان نیز متفاوت است (Foster, 1972: 170) و کارکردهای مثبت و منفی برای آن ارزیابی کرده‌اند. غیرت برای افراد، زوجها و جامعه به‌عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شود و با محافظت از ازدواج، خیانت و زنا به حفظ رابطه کمک می‌کند.

بدون شک غیرت یکی از صفات اخلاقی و اجتماعی است که افراط در آن پیامدهای متفاوتی را در اجتماع به‌همراه دارد یکی از آنها خشونت خانگی است و عده‌ای بحث خشونت خانگی را با غیرت ناموسی پیوند زده‌اند؛ چراکه با تهدید، آزار و اذیت و به‌طور کلی خشونت فیزیکی و روانی همراه است. سه دلیل یا انگیزه برای مجروحان خشونت خانگی وجود دارد: (۱) حسادت جنسی (۲) شکست در مقابل انتظارات (۳) بیان قدرت (Levinson, 1988: 440). خشونت خانگی یک الگوی رفتاری در خانواده باهدف کنترل، تسلط و اعمال قدرت از سوی دیگری است که فقط جسمی نیست، بلکه ممکن است سایر اعمال مانند اجبار، تهدید، ارعاب و کنترل مالی انزوای اجتماعی را نیز دربرگیرد. به‌این ترتیب سوءاستفاده فیزیکی، جنسی، روحی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان اعمال خشونت خانگی شناخته می‌شوند (Mitchell, 2011). این الگوهای رفتاری گاهی منجر به قتل‌های ناموسی در جامعه نیز می‌شود.

اگر بخواهیم این پژوهش را در یک چارچوب مفهومی قرار دهیم، با عطف نظر به مباحث فوق می‌توان گفت، غیرت عبارت است از: «صفتی نفسانی در انسان که هرگاه احساس کند محبوب او (منظور همسرش) به خطر افتاده است، در مقابل آن عکس‌العمل نشان می‌دهد، از آن دفاع می‌کند یا لااقل ناراحتی و غصه در او ایجاد می‌شود» (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۹). در اینجا زنان متأهل باید تفسیر خود را از غیرت مردانه ارائه دهند. حسادت و غیرت دو واژه متفاوت به شمار می‌آیند که هر دو احساس جهانی هستند و در جوامع مختلف نیز وجود دارند، اما هرکدام از جوامع بر اساس الگوهای فرهنگی خود آن را تعریف می‌کنند. همچنین این دو، صفتی ذاتی در انسان هستند، اما حسادت در واقع، بنا به نظر «شهید مطهری» احساس منفی نسبت به کسی است که از او بهتر باشد که باعث رنج است و ریشه در خودخواهی و احساسات شخصی دارد در حالی که غیرت، یک صفت اجتماعی است که به‌منظور حفاظت از رابطه خود در برابر تهدید ادراک شده صورت می‌گیرد و از دیدگاه اسلام، نوعی پاسبانی از خانواده است که آفرینش آن برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌هاست که در وجود بشر نهاده شده است (مطهری، ۱۳۷۵: ۶۱).

از دیدگاه دیگر، غیرت از طرحواره‌های ذهنی که توسط جامعه شکل گرفته است، معنا پیدا می‌کند. همچنین پیروان مکتب کنش متقابل نمادی معتقدند که موجودات انسانی اعمال یکدیگر را تعبیر و تفسیر می‌کنند و به‌واسطهٔ درک آن کنش‌ها، دست به کنش‌های دیگر می‌زنند در واقع، ساختارها صورت و قالب کنش‌ها را تشکیل می‌دهند و نظام‌های معنایی مانند فرهنگ کنش‌ها را هدایت می‌کنند، ولی محتوای کنش‌ها را افراد کنشگر به تناسب موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، تعیین می‌کنند (تنهایی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) مثلاً واژه‌ای مثل غیرت در جریان کنش متقابل مفهوم می‌یابد. اگر افراد در نظام اجتماعی در ارتباط و کنش متقابل با هم قرار نگیرند، هیچ‌گاه واژه‌هایی از این دست مفهوم نمی‌یابند. در واقع، غیرت محصول جامعه و فرهنگ است. ارزش‌ها در جامعه و فرهنگ ماست که مفهوم غیرت را از دیگر مفاهیم مجزا می‌کند. برای مثال فرهنگ مردسالاری می‌تواند به رفتاری برچسب غیرت دهد، در حالی که در فرهنگ و یا جای دیگر، به آن معنای دیگر دهد.

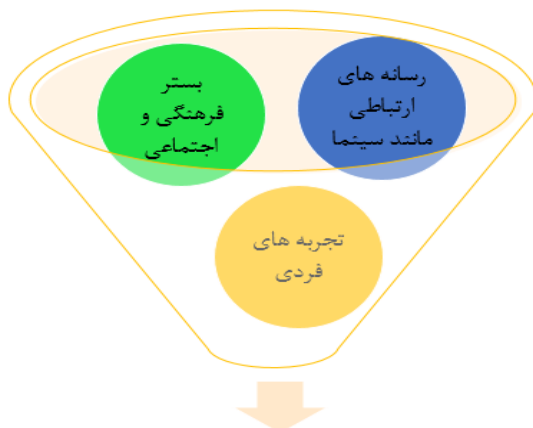
در ادامه بحث، نظریاتی در مورد خانواده وجود دارند که خانواده را نخستین نهاد اجتماعی می‌دانند و انتقال‌دهندگان اصلی ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شوند که باید از آن حمایت کرد، در غیر این صورت خانواده کارکردهای اصلی خود را از دست می‌دهد و به سقوط حتمی دچار می‌گردد. ریشهٔ بسیاری از مشکلات مثل بدبینی، حسادت، غیرت و یا شکاکیت و... را می‌توان در خانواده جستجو کرد همچنین آشفتگی زناشویی زوجها می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر فرزندان داشته باشد و باعث بروز اختلافات خانوادگی شود.

اسلام نیز در روایات و آیات با تعاریفی که از غیرت و بی‌غیرتی به میان آورده است، سوءظن و غیرت نابجا را در مواردی که شدید است، اختلال پارانویید می‌داند (ساسان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲۳). نظریات فمینیستی هم همیشه به‌دنبال راهی برای بهتر شدن وضعیت زنان در جامعه بوده‌اند مثلاً فمینیست‌های لیبرال، دستیابی مساوی زنان و مردان به امکانات از جمله دستمزد، حقوق، آموزش، بهداشت و حضور در جامعه را مطرح کردند و محرومیت در خانه و فرصت‌ها را عامل اصلی فرودستی زنان می‌دانند. همچنین فمینیست‌های رادیکال علت اصلی مظلومیت زنان را نظام پدرسالارانه و کنترل مردان می‌دانند و می‌توان ریشهٔ واژه‌ای مثل غیرت را در نظام پدرسالارانه جستجو کرد (بستان نجفی، ۱۳۹۰: ۴۸).

حال در این پژوهش، با توجه به نظریات و دیدگاه‌های مختلفی که از نظر گذشت، برآنیم تا مفهوم غیرت را در یک فیلم سینمایی تفسیر و معنادهی کنیم. سینما را به‌عنوان یکی از

مهم‌ترین ابزارهای ارتباطات اجتماعی، تقویت هویت فرهنگی، انتقال اندیشه‌های سازنده و رشد آگاهی‌های عمومی در نظر گرفته‌ایم که به‌عنوان هنر مدرن، می‌تواند نقشی در بازنمایی واقعیت داشته باشد؛ زیرا سینما برساختی از جامعهٔ خویش است که تحولات جامعه را درون خود انعکاس می‌دهد و مخاطبان با استقبال از فیلم‌های خاص در دوره‌های زمانی مشخص، موقعیت خود را درون آنها بازیابی می‌نمایند. سینما به‌عنوان یکی از اشکال هنر که دارای روابط با زمینهٔ اجتماعی است، می‌تواند رابط فهم پیچیدگی‌ها، دقایق، ژرفاهای تعامل در فضای اجتماعی باشد. سینما و جامعه برساخت‌هایی هستند که هیچ‌گاه به شکل نهایی نمی‌رسند؛ زیرا فاقد هرگونه جوهر، خاستگاه آغازین، ذات و شکل ایده‌آل‌اند (محمدی و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). در این پژوهش از رویکرد بازتاب در سینما بهره گرفته‌ایم؛ زیرا این رویکرد مبتنی بر این فرض است که هنر آیینی جامعه است. تاکمن^۱ معتقد است این نظریه با «فرضیهٔ بازتاب» نیز در ارتباط است.

فرضیهٔ بازتاب معتقد است رسانه‌های ارتباطی از جمله سینما برای جلب پیام‌گیران باید ارزش‌های اجتماعی حاکم بر یک جامعه را منعکس کنند (استریناتی، ۱۳۸۰: ۲۴۳-۲۴۴). از آنجایی که در جامعهٔ ما زنان از مخاطبان اصلی سینمای ایران به شمار می‌آیند، فیلم‌هایی با محوریت مفاهیم اجتماعی و اخلاقی می‌تواند آنها را از حقوق خودآگاه سازد و نسل جدید مطالعات فیلم، تنها به تحلیل فیلم نمی‌پردازد، بلکه خوانش‌های متفاوت زنان از فیلم را نیز مدنظر قرار می‌دهد. مصاحبه‌شوندگان در پژوهش به‌عنوان مخاطبانی در نظر گرفته شده‌اند که بر اساس زندگی تجربی خود، فیلم را تفسیر و معنا می‌کنند و با استفاده از رویکرد مخاطب فعال، نشان می‌دهیم که تماشاگران، متون رسانه‌ای را به شیوه‌ای که با شرایط اجتماعی و فرهنگی‌شان و با کیفیت تجربه ذهنی‌شان مربوط است، رمزگشایی و تفسیر می‌کنند. به همین منظور، فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش (۱۳۹۵) به کارگردانی تهمینه میلانی برای پژوهش استفاده شد و در ادامه، پژوهشگر با توجه به اهداف پژوهش و آنچه می‌تواند به شکل‌گیری مفهوم غیرت در ذهن فرد منجر شود، الگوی زیر را ارائه می‌دهد:



درک معنای غیرت

شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

بر اساس هدف پژوهش، روش تحقیق از نوع کیفی و ذیل پارادایم تفسیری - برساختی است. روش مورد استفاده تحلیل روایت است که با استفاده از تکنیک ویلیام لبوف^۱ و مصاحبه عمیق انجام گرفته است. برای آنکه بتوانیم به درک تجربیات افراد از زندگی‌شان و همچنین به الگوهای اساسی شکل‌دهنده تجارب و تفاسیر انسان از دنیای اجتماعی دست یابیم، باید روایات را مورد بررسی قرار دهیم؛ زیرا انسان‌ها زندگی‌شان را توسط روایات معنا می‌کنند. روش تحلیل روایت، داستان‌هایی که به صورت مجموعه رخدادها در کنار هم بیان می‌شوند را تفسیر می‌کند به علاوه «تحلیل ساختاری روایت»، عناصر مسلط در روایت را بازنمایی و جستجو می‌کند و از سطح فرد فراتر می‌رود (ذکایی و شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

ویلیام لبوف روایت را به‌عنوان کشتی از گفتار تعریف می‌کند که معمولاً ساخته فرد است و رویدادهای گذشته و دیدگاه راوی را در مورد آنچه گزارش شده است، بیان می‌کند. لبوف تکنیک خود را طی شش عنصر تقسیم‌بندی کرده است. مراحل لبوف عبارتند از:

۱- چکیده^۲: این مورد انتخابی است و به متن داستانی که نقل می‌شود بستگی دارد و کارکرد اصلی آن معرفی داستان است.

1 William Labov

2 Abstract

۲- جهت‌گیری^۱: در این مرحله حوادث داستان در پاسخ به سؤالات چه کسی؟ کی؟ و کجا می‌آید.

۳- گره‌افکنی^۲: «طرح اسکلت» یا «ستون فقرات» روایت نامیده می‌شود. جملات گره‌افکنی مربوط به سیر رخداد‌های داستان است.

۴- ارزیابی^۳: لبوف ارزیابی را «شاید به‌عنوان مهم‌ترین عنصر در جملات روایی پایه و نقطه عطف داستان» توصیف می‌کند. در این مرحله روایت‌گر احساسات خود را در مورد تجربه‌اش، در آن زمان بازگو می‌کند.

لبوف سه نوع ارزیابی را از هم متمایز می‌کند که شامل؛ «ارزیابی خارجی»^۴، «ارزیابی جاسازی‌شده»^۵ و «کنش ارزیابی»^۶.

ارزیابی خارجی: در این نوع ارزیابی، روایت‌گر به‌صورت آشکار معنای ذهنی خود از رخداد را به شنونده انتقال می‌دهد و در مورد رخداد، یک حکم کلی می‌دهد (مثلاً می‌گوید همسر من یک مرد غیرتی است).

ارزیابی جاسازی‌شده: در این نوع ارزیابی، راوی، تداوم دراماتیک داستان را حفظ می‌کند، مثلاً می‌گوید که در آن زمان، روایت‌گر چه احساسی دارد (به‌عنوان مثال از ترس، خشم یا دوست‌داشتن خود صحبت می‌کند).

کنش ارزیابی: راوی بدون آنکه سخنی بگوید، با حرکات و واکنش‌های خود احساساتش را آشکار می‌کند (مانند گریه کردن، لبخند زدن و حرکات بدنی).

در پژوهش حاضر، علاوه بر ارزیابی‌های لبوف، محقق ارزیابی فیلمیک را به آن اضافه کرده است که همان روایت روایان از فیلم و نحوه پیوند آنها با فیلم می‌باشد.

۵- نتیجه^۷: نتیجه یا قطع‌نامه که راوی به شنونده می‌گوید که داستان چگونه پایان می‌یابد یا راه‌حل برای ارزیابی‌های خود ارائه می‌دهد (برای مثال از خانه فرار کردن).

۶- پایان‌بندی^۱: در این مرحله، راوی پایان داستان را مطرح می‌کند. پایان‌بندی دنیای گذشته داستان را به دنیای کنونی پیوند می‌دهد و عملکرد نشانه‌گذاری خاموش است و کف داستان

-
- 1 Oriental
 - 2 Complication Action
 - 3 Evaluation
 - 4 External Evaluation
 - 5 Embeded Evaluation
 - 6 Evaluative Action
 - 7 Result

را به شنونده ارائه می‌دهد (مثلاً راوی به طلاق گرفتن خود و زندگی مجردی در زمان حال خود اشاره می‌کند) (Andrews & et al,2008:22). عناصر شش‌گانه لبوف در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۱. عناصر شش‌گانه لبوف

عناصر لبوف	تعاریف مختصر عناصر
۱	چکیده خلاصه‌ای از داستان یا شخصیت‌های داستان در ابتدای روایت
۲	جهت‌گیری حوادث و جهت‌گیری‌های داستان
۳	گره‌افکنی ستون فقرات روایت، گره‌افکنی داستان، جایی که رخدادها شدت می‌یابند
۴	ارزیابی (خارجی، جاسازی‌شده، کنش ارزیابی)
۵	نتیجه ارائه راه‌حل برای رخداد‌های پیش‌آمده
۶	پایان‌بندی پایان داستان که با شرایط کنونی راوی مطابقت دارد

جامعه آماری پژوهش حاضر، زنان متأهل شهر اصفهان و روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است. برای به‌دست آوردن اعضای نمونه به ۲۲ مرکز مشاوره مراجعه شد که ۳ مرکز همکاری خود را برای پژوهش اعلام کردند. سپس ۱۶ نفر از بین خانم‌های مراجع به مراکز مشاوره، پس از رضایت کتبی برای شرکت در پژوهش، انتخاب شدند و مصاحبه‌روایی با آنها صورت گرفت که نام آنها به دلیل عدم احراز هویت، با حروف الفبا نامگذاری شده است. فرآیند پژوهش به‌گونه‌ای بود که در ابتدا، فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به‌صورت جداگانه برای هریک از مصاحبه‌شونده‌ها پخش گردید، سپس با طرح سؤال مولد روایت، راوی به روایت ادراک خود از فیلم و در نهایت به روایت زندگی تجربی خویش پرداخت. لازم به ذکر است در حین مصاحبه واکنش‌ها، حرکات دست و صورت و احساسات خانم‌ها ثبت شد. سپس مصاحبه‌ها به‌صورت نوشتار درآمدند و پس از آنکه شش عنصر لبوف در تمام مصاحبه‌ها مشخص شد، مقوله‌های توصیفی، تفسیری و تبیینی از آن استخراج شد و نهایتاً به تفسیر و تحلیل مقوله‌ها پرداختیم. یافته‌های مستخرج از فیلم نیز با عنوان ارزیابی فیلمیک به بخش ارزیابی لبوف اضافه شده است که در بخش تحلیل یافته‌ها به شرح آن می‌پردازیم.

خلاصه فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش

ملی و راه‌های نرفته‌اش فیلمی به کارگردانی و نویسندگی «تهمینه میلانی» و تهیه‌کنندگی «محمد نیک‌بین» محصول سال ۱۳۹۵ و دارای ژانر اجتماعی است. این فیلم از تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۶ در سینماهای ایران اکران شد. «ملیحه» دختر ساده‌ای است که به‌واسطه خواهر «سیامک» با سیامک آشنا شده است و بدون رضایت خانواده و به خاطر فرار از جوّ مردسالاری در خانواده، با هزاران امید با سیامک ازدواج می‌کند، ولی پس از ازدواج، سیامک به فرد دیگری تبدیل می‌شود و به بهانه‌های مختلف، به دلیل غیرت مردانه خود، ملی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد که منجر به سقط‌جنین می‌شود و درنهایت، ملی توسط یکی از دوستانش با یک مشاور تماس برقرار می‌کند و به فکر جدایی می‌افتد، اما در این میان، خانواده‌اش با او مخالفت می‌کنند. متأسفانه در راستای همین غیرت‌های افراطی، ملی با ضربه‌ای به سیامک او را به قتل می‌رساند و خودش نیز خودکشی می‌کند. سپس ملی توسط مشاور خود نجات پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که خانواده سیامک نیز از شکاکیت و بدبینی پدر سیامک رنج‌های فراوان کشیده بودند.

تحلیل یافته‌ها

در ادامه، به شش عنصر مستخرج از مصاحبه‌ها می‌پردازیم؛ به‌گونه‌ای که در ابتدا کدهای تبیینی و بعد از آن کدهای تفسیری را برای هر عنصر مشخص می‌کنیم و برای نمونه به چند مورد از مصاحبه‌ها نیز اشاره خواهیم کرد:

عنصر اول لبوف: چکیده

در این پژوهش، مصاحبه‌شوندگان آنچه را که به‌عنوان چکیده روایت زندگی خود بیان می‌کردند، نحوه آشنایی با همسر، مدت‌زمان آشنایی تاکنون، تفاوت سنی و شغل همسر بود. در بین آنها خانم «الف» و خانم «خ» از طریق دوستی و بقیه از طریق ازدواج سنتی با همسر خود زندگی‌شان را آغاز کرده بودند. نحوه آشنایی با همسر از نظر راویان، هیچ‌گونه نارضایتی برای زنان ایجاد نکرده بود. تفاوت سنی آنها در بازه زمانی ۶ ماه تا ۹ سال و نیم بود و مدت‌زمان آشنایی تاکنون در بازه ۳ تا ۲۰ سال بود. همسر تمامی راویان دارای شغل آزاد بودند به‌جز خانم «خ» که همسرش در دستگاه دولتی مشغول به کار بود. برخی از افراد مدت‌زمان آشنایی‌شان را کم برآورد می‌کردند.

بنابه گفتهٔ راویان، مدت‌زمان آشنایی و شغل همسر می‌توانست کیفیت زندگی آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد. این‌راویان، اصلی‌ترین دلایل مشکلات خود را، عدم تحقیق در مورد همسر، عدم آشنایی با اخلاقیات و میزان حساسیت‌های همسرشان قبل از ازدواج می‌دانستند به علاوه تفاوت سنی کم نیز جزء دلایل آنها بود؛ زیرا باعث عدم درک آقا و نارضایتی خانم شده بود. خانم «خ» با اینکه همسرش شغل دولتی داشت، اما علت حساسیت‌ها و ضربه‌های جسمی خود را شغل همسرش می‌دانست. عده‌ای از خانم‌ها مانند خانم «ذ» و «پ» بیکار بودن همسر خود را دلیل مشکلات فعلی خود می‌دانستند. آنها معتقد بودند که هرچه حضور همسر در خانه بیشتر باشد، میزان حساسیت‌ها و ناسازگاری‌ها بیشتر است و در پاره‌ای از روایت‌های خود اوج تنش‌های خانوادگی را در زمان بیکاری همسر بیان می‌کردند. در واقع، بیکاری، مشکلات اقتصادی و اخلاقی آقایان از جمله حساسیت‌هایی مانند غیرت را مضاعف کرده است.

عنصر دوم: جهت‌گیری

آنچه به‌عنوان جهت‌گیری توسط راویان بیان شده، تفسیر راویان از جهت‌گیری‌های اعتقادی و مذهبی خانوادهٔ خود و همسرشان بود. خانم‌های «الف»، «ت»، «ح» و «ش» با همسر خود، خانواده‌های همسانی داشتند؛ به این معنا که خانوادهٔ خانم یا آقا هر دو مذهبی یا غیر مذهبی بودند، اما سایر راویان خانواده‌های ناهمسانی داشتند. در میان راویانی که خانواده‌های ناهمسانی داشتند، کدهای تبیینی «مردسالاری»، «شکاکیت» و «بدبینی» یافت شده است. این کدها برگرفته از تفسیر راویان از خانوادهٔ خود و همسر خود می‌باشد. خانم‌ها معتقدند بخشی از مشکلاتی که هم‌اکنون در زندگی‌شان تجربه می‌کنند، ریشه در خانوادهٔ خود، خانوادهٔ همسر و یا هر دو دارد. همچنین معتقدند که خانواده، اولین عنصری است که بر روی فرزندان اثر می‌گذارد. خانم‌های «ب»، «پ»، «ث»، «ج»، «د»، «ذ» و «س» اذعان داشتند که در خانوادهٔ همسرشان مردسالاری، سلطه پدر، عقاید قدیمی، محدودیت مادر و رابطه سرد و استبدادی بین اعضای خانواده دیده می‌شود. خانم «ب» معتقد است که خانوادهٔ همسرش عقاید سنتی و مردسالارانه دارند و همین مسئله منجر به اختلافات، بدبینی‌ها و سوءظن‌ها می‌شد.

خانم «ذ» نیز موقعیتی مشابه موقعیت فوق را تجربه کرده است. گاهی راوی، وجود مردسالاری را به دوران کودکی شوهرش نسبت داده و آن را به تک‌فرزندی او ربط می‌دهد. او معتقد است که چون همسرش از کودکی به علت تک‌فرزند بودن تحت مراقبت‌های شدید و

محدودیت در خارج شدن از خانه قرار گرفته است، اکنون می‌خواهد از پدرش الگوبرداری کند؛ چراکه خودش شاهد مراقبت‌های پدر و ظلم پدر بر مادرش بوده است. برخی از راویان به جز پدرشوهر، پدربزرگ شوهر و حتی سایر اعضای خانواده شوهر را دارای افکار مردسالارانه می‌دانند. خانم «د» به حدی وجود مردسالاری را امر آموزشی در خانواده شوهرش می‌دانست که معتقد بود همسرش غیرت و محافظت از مادر را به پسرش نیز یاد می‌دهد.

همین‌طور خانم «ز» توضیح می‌دهد که تسلط پدر در خانواده به حدی بوده که رشته تحصیلی و شغل فرزندان را نیز پدر انتخاب می‌کرده و پس از فوت پدر، فرزندان به رشته تحصیلی مورد علاقه خود روی آوردند. اعمال محدودیت از جانب پدر در خانواده، افراد را از خود واقعی‌شان دور کرده است و هرکدام باشخصیت‌های غیرواقعی ازدواج کردند و به همین دلیل با مشکل مواجه شدند.

عنصر سوم: گره‌افکنی

طبق یافته‌های موجود، گره‌افکنی داستان شامل «حساسیت آقا» و «کنش آنها» می‌باشد. حساسیت‌های آقا یعنی دخالت‌هایی که شوهران در زندگی همسرانشان و کنترل او انجام می‌دهند و مردان آن را غیرت معنا می‌کردند که این حساسیت‌ها به‌گونه‌ای نقاط عطف در زندگی خانم‌ها محسوب شده است. کدهای تفسیری شامل حساسیت‌های فردی، حساسیت‌های مکانی، حساسیت‌های ابزاری و حساسیت‌های رفتاری است.

حساسیت‌های فردی به این معناست که آقایان در ارتباط خانم با افراد خاصی، حساسیت شدید نشان می‌دهند و راویان هرکدام به‌نوعی نمی‌توانند روابط اجتماعی نرمالی داشته باشند. حتی عده‌ای از آنان از ارتباط با افراد هم‌جنس یا محرم خود نیز محروم بودند و به‌خاطر همسرشان مجبور به قطع ارتباط با دوستان، فامیل و حتی مشاور خود شدند. حساسیت‌های مکانی به این معناست که آقایان به‌خاطر مراجعه خانم به مکان‌های خاص حساسیت شدید نشان می‌دهند. این راویان به علت حساسیت همسر خود، در پیشرفت شغلی و اجتماعی خود با مشکل مواجه شدند، بنابراین ناسازگاری‌ها شروع خواهد شد و دانشگاه رفتن، کلاس رفتن و رفتن به محل کار به تنش منجر می‌شود.

از دیگر حساسیت‌ها، حساسیت ابزاری و ارتباطی است. بدین معنا که آقایان به خاطر استفاده خانم از ابزار تلفن همراه به‌عنوان یک ابزار ارتباطی حساسیت شدید نشان می‌دهند. اینستاگرام و

تلگرام در میان ایرانیان هواخواهان بسیاری پیدا کرده است. زنان نیز از این قاعده مستثنا نیستند، اما زنان مورد مطالعه در کاربرد این شبکه‌های مجازی با مشکل مواجه هستند. تلفن همراه، تماس‌ها و شبکه‌های اجتماعی تمامی راویان توسط همسرانشان کنترل می‌شد. بیشتر تنش‌ها و درگیری‌ها به علت فضای مجازی از جمله تلگرام، اینستاگرام، لایک گرفتن و عکس‌های پروفایل بود. این درحالی است که خانم‌ها خواستار گسترش ارتباطات و فعالیت‌های خود در فضای مجازی هستند. استفاده از نام‌های مستعار و عکس‌های غیرشخصی، در فضای مجازی می‌تواند گواهی بر این حساسیت‌ها باشد، این درحالی است که تمام مردان این حساسیت‌ها را با کلمه غیرت توجیه می‌کردند. آخرین نوع حساسیت‌ها را، حساسیت‌های رفتاری نام نهادیم. بدین معنا که همسران نسبت به رفتارهای خاصی در مورد خانم‌هایشان، حساسیت‌های شدید نشان می‌دهند. این رفتارها همان نوع پوشش و آرایش، استفاده از رنگ‌های تیره، اجازه گرفتن از همسر برای انجام کارها و عدم استفاده از وسایل نقلیه عمومی بود.

گره‌افکنی درکنش‌ها بر اساس «کنش‌های خشونت‌آمیز» صورت می‌گیرد به این معنا که خانم‌ها در مواجهه با این کنش‌ها، احساس ناامنی، ترس و خطر می‌کردند. این کنش‌ها، چهار کد تفسیری «کنش‌های کنترلی»، «کنش‌های بازدارنده»، «کنش‌های تهدیدآمیز» و «کنش‌های فیزیکی» را دربر می‌گیرد. کنش‌های کنترلی، کنش‌هایی هستند که آقا به‌گونه‌ای سعی در کنترل رفتار یا کنش‌های خانم دارد برای مثال خانم «ب» با نصب دوربین در خانه توسط همسرش و تعقیب شدن از طرف همسرش مواجه می‌شود. کنش‌های بازدارنده در مورد آشنایانی که مورد حساسیت آقا بودند اعمال می‌شد.

دسته دیگر، کنش‌های تهدیدآمیز هستند که از طرف آقا برای ایجاد رعب و ترس در خانم به کار می‌رود و خانم در مقابل این کنش‌ها احساس وحشت و ناامنی دارد برای مثال خانم «پ» اظهار می‌کند، همسرش با قمه کشیدن او را مجبور به تبعیت از خود می‌کند و خانم‌ها به دلیل ترس بیش‌ازحد و ترس از آبروی خود، تسلیم خواسته همسر می‌شدند و حق اعتراض از آنان سلب می‌شد. کنش‌ها فقط به تهدید ختم نمی‌شد، بلکه گاهی کنش‌های فیزیکی را نیز به همراه داشت. کنش‌های فیزیکی، کنش‌هایی هستند که آقا هنگام حساسیت نسبت به همسرش، انجام می‌دهد و خانم، جان خود را درخطر می‌بیند برای مثال خانم «س» با پریشانی می‌گوید: «گلوی مرا محکم فشار می‌داد و دوبار به‌گونه‌ای با شدت به من ضربه زد که دستم سیاه شد».

عنصر چهارم: ارزیابی

این عنصر که مهم‌ترین بخش داستان راویان به شمار می‌آید به سه بخش تقسیم می‌شود:

- **ارزیابی خارجی:** در اینجا ارزیابی خارجی حکم کلی و قضاوت زنان در مورد رفتار مرد است. به بیان دیگر، درک معنای زنان از غیرت مردانه، توجیه آقا در مورد رفتار خودش و توجیه خانم برای رفتار آقا را به‌عنوان ارزیابی خارجی در نظر گرفته‌ایم. زنان هرکدام با توجه به زندگی تجربی خود، درکشان را از غیرت مردانه بیان کردند. کد تبیینی که از تعریف غیرت به‌دست آمد «غیرت به‌مثابه حمایت الزامی» است. این کد تبیینی، ۱۰ کد تفسیری را در برمی‌گیرد. تمامی زنان معتقدند که مرد غیرتی آن است که حساسیت‌هایی همراه با اعتماد و فراهم کردن آرامش و حفظ حریم و عدم برچسب‌زنی داشته باشد. همچنین تمامی زنان غیرت را لازمه زندگی زناشویی می‌دانستند، ولی این امر در صورتی است که مرد بتواند نیاز عاطفی زن را ارضا کند، به زن اعتماد داشته باشد و به حریم شخصی او احترام بگذارد. برای مثال خانم «پ» با قاطعیت بیان می‌کند: «آدمی که غیرت داشته باشد هیچ‌گاه همسرش را کتک نمی‌زند و او را تهدید نمی‌کند».

در یک دیدگاه کلی می‌توان به این نظر رسید که راویان در اظهارات خود، مردی را غیرتی می‌دانند که به همسرش در هنگام بروز مسائل شک‌برانگیز، فرصت توضیح را به او بدهد، نه آنکه پیش داوری کند. بدون شک راویان با اعمال غیرت از طرف مرد، موافق بودند. به‌عنوان مثال خانم «الف» مرد بدون غیرت را مردی بی‌هویت و بی‌ارزش می‌داند. موضوع مهم دیگری که زنان به آن اشاره می‌کنند این است که، زنان غیرت را به‌عنوان حس توجه و دوست داشته شدن از طرف مرد تلقی می‌کنند و حس خوشایندی را هنگام اعمال غیرت متعادل، تجربه می‌کنند. به‌گونه‌ای که اگر مرد غیرت نرزد، گویی به همسرش علاقه‌ای ندارد.

بنابر تفسیر خانم‌های مورد مطالعه، آقایان واژه غیرت را برای توجیه رفتار خود به کار می‌برند. از این رو کد تبیینی «صاحب مراقب» برای آقایان در نظر گرفته شده است که کدهای تفسیری حس مالکیت، حس دوست داشتن و تمکین زن از مرد را در برمی‌گیرد. این در حالی است که زنان، همسر خود را بنابر میزان حساسیتشان با واژه‌های غیرتی، حسود و شکاک نام‌گذاری می‌کنند. راویانی که با حساسیت‌های شدید و کنش‌های خشونت‌آمیز مواجه می‌شدند، همسر خود را غیرتی نمی‌دانستند، بلکه معتقدند که همسرشان شکاک، بدبین یا بیمار هستند.

- **ارزیابی جاسازی‌شده:** احساسات ادراک شده توسط خانم‌ها در این مرحله ثبت شده است که آن را در دو بخش صدمات روحی - روانی و صدمات جسمی در نظر گرفتیم. صدمات روحی -

روانی با کد تبیینی «دلزدگی حقیرانه» و «هویت مخدوش» نام‌گذاری شده است که با ۱۰ کد تفسیری تعریف شده‌اند که عبارت‌اند از: «توهین شدن به احساسات و دور شدن از شخصیت واقعی»، «مبتلا شدن به افسردگی و منزوی شدن»، «عصبی شدن و عدم آرامش»، «تهدید آقا و بی‌حرمتی و فحش دادن»، «تهمت زدن آقا»، «از بین رفتن عشق و علاقه و دلزدگی از همسر»، «ترس از آقا و استرس»، «ریخته شدن آبرو»، «حس عدم پیشرفت و انگیزه»، «احساس عذاب و تحقیر». خانم‌ها اذعان داشتند که در جریان زندگی پرتنش خود با مشکلات روحی و روانی مواجه شدند که پیامد رفتار آقا ناشی از غیرت نادرست است. دلزدگی حقیرانه اشاره به از بین رفتن عشق و کم‌رنگ شدن علاقه‌ای دارد که در آغاز زندگی مشترک وجود داشته است و اکنون به‌طور حقیرانه‌ای سرکوب شده است و همین، باعث عدم تمایل به ادامه زندگی است. «هویت مخدوش» اشاره به هویت‌های ثانویه‌ای دارد که از هویت واقعی راوی، فاصله گرفته است و فرسوده‌تر شده است و می‌تواند پایه‌های خانواده را متزلزل کند. برای مثال خانم «خ» با ناامیدی می‌گوید: «زدواجم باعث شد احساس بی‌انگیزگی و یأس و ناامیدی کنم». همان‌طور که از صحبت راویان هویداست، صدمات روحی و روانی به‌شدت بر روی کانون گرم خانواده اثر می‌گذارد.

بر اساس مصاحبه‌ها، از پیامدهای دیگر غیرت ناصحیح صدمات جسمی است که به آسیب‌هایی اشاره دارد که زنان در طول زندگی مشترک خود آن را متحمل شده‌اند و با کد تبیینی «بدن کبودشده درمانده» نام‌گذاری شده است. کدهای تفسیری آن ضربه به اعضای بدن و کبودی آن و یا هل دادن خانم است. خانم «خ» در این باره می‌گوید: «نمی‌توانستم از خودم دفاع کنم همه ضربه‌ها به ناحیه سرم بود». صدمات جسمی، نوعی خشونت خانگی نیز اطلاق می‌شود و با تحقیقات تانگ (۲۰۰۳)، نازپرور (۱۳۸۱)، احمدی و دیگران (۱۳۸۷)، نوح جاه و دیگران (۱۳۸۹) و نویدنیا و شاملو (۱۳۹۷) مبنی بر آنکه غیرت یکی از دلایل خشونت خانگی است، همسو است.

کنش ارزیابی، یکی دیگر از انواع ارزیابی‌ها از نظر لبوف به‌شمار می‌آید. در این نوع ارزیابی، به رفتار ناخودآگاه راوی در حین روایت توجه کردیم. مثلاً خانم «خ» دوبار حین مصاحبه و تداعی خاطرات، گریه کرد همچنین مدام پلاستیکی که در دستانش گرفته بود، تکه‌پاره می‌کرد. راویان در این بخش بر پیامدهایی که بر فرزندان‌شان عارض شده بود نیز اشاره می‌کردند که ناشی از زندگی مغشوش و حالات نابسامان زوجین بود که محقق از آن با کد «کودکان به‌مثابه کفتران دوبرجه فناشده» یاد کرده است. این کد به‌عنوان کد جنینی از روایت خانم «س» استخراج شده

است که با ناراحتی توضیح می‌دهد که فرزندش متوجه قهر والدین خود شده است و مانند گفتار دوبرجه روزی به پدر خود علاقه‌مند است و روز دیگر از پدرش متنفر است. در ادامه این مبحث شش نفر از راویان که صاحب فرزند هستند، به آسیب فرزندانشان نیز اشاره کرده‌اند. مشاجره والدین و بحث طلاق، در روند رشد اجتماعی کودک اختلال ایجاد می‌کند و آثار روانی این موضوع بر روح و روان کودک نیز بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

ارزیابی فیلمیک

این بخش توسط محقق به ارزیابی‌های لبوف (به‌منظور درک راوی از فیلم و مقایسه آن با زندگی تجربی خود) اضافه شده است. محقق بنابر تفاسیر راویان شخصیت سیامک را با کد «بیمار درماندهٔ قدر» معرفی می‌کند. همچنین ملی می‌تواند با کد «دختر سادهٔ کم‌تجربه» معرفی شود که به دلیل خام بودن و اشتباهاتش زندگی را به کام خود تلخ کرده است، برای مثال از نظر خانم «الف» ملی لازم بود به رفتارهای سیامک در دوران آشنایی مانند چک کردن تلفن همراه ملی در رستوران توجه می‌کرد. شایان ذکر است که تمامی راویان به کم‌توجهی ملی و عدم شناخت کافی از سیامک در دوران آشنایی اشاره کردند. خانم «ت» معتقد است که گاهی رفتارهای ملی موجب دامن زدن به شکاکیت سیامک و بدتر شدن زندگی او شده است؛ مانند زمانی که ملی برای رفتن به کلاس خیاطی به همسرش دروغ می‌گوید. خانم «ج» اظهار نمود که ملی نباید به خاطر فرار از شرایط خانه ازدواج می‌کرد. سایر راویان به پارامترهایی از جمله احساسی عمل کردن ملی، عدم مشورت با خانواده و عدم مراجعه به مشاوره از ابتدای مشاجره اشاره کردند.

با توجه به تفاسیر فوق، خانواده ملی را می‌توان به‌مثابهٔ «کانون سرد بدون حامی» دانست. خانم «الف» معتقد است که خانواده باعث خرد کردن شخصیت و اعتمادبه‌نفس ملی شده‌اند و با عدم محبت و حمایت و عدم تحقیق و ترس از آبروی خانوادهٔ خود موجبات تباه‌شدن زندگی فرزندانشان را فراهم کردند. لازم به ذکر است که تمام راویان معتقد بودند که عدم حمایت فرزند در خانواده می‌تواند آسیب‌های جدی را به فرزند و زندگی آینده‌اش وارد کند. آنها خانوادهٔ ملی را یک کانون سرد معرفی می‌کردند؛ زیرا مادر خانواده، با دیدن فیلم‌های ماهواره‌ای و پدر خانواده با عدم کفایت خود نتوانستند کانون خانواده را به کانون گرمی تبدیل کنند. خانوادهٔ سیامک نیز با کد «خانوادهٔ بیمار» معرفی می‌شود؛ زیرا هریک از اعضای خانواده، به‌نحوی باعث بیماری دیگر اعضا شده بود. در ادامهٔ بحث، راویان هرکدام به طریقی با ملی همدلی می‌کردند و زندگی خود را

شبهه فیلم می‌دانستند. برای مثال خانم «چ» با ناراحتی روایت می‌کند که خانواده‌اش با ازدواج او موافق نبودند، اما او به دلیل شرایط بد خانه و طلاق والدینش ازدواج کرده است. خانم «خ» با شرایط روحی نامناسب زندگی خود را شبیه فیلم می‌داند و از ضربه‌های روحی و جسمی شدید سخن می‌گوید.

بنابراین می‌توان گفت فیلم، اغراق‌آمیز نبوده؛ زیرا بخشی از زندگی راویان را در برمی‌گیرد و آنچه سینما به‌عنوان یک رسانه به مخاطب انتقال می‌دهد، همان واقعیت‌های تلخی است که در اجتماع با آن مواجه هستیم. نکته دیگری که در این بخش حائز اهمیت است و در راستای اهداف پژوهش نیز قرار می‌گیرد، درک زنان از رفتار سیامک است. همان‌طور که اشاره شد؛ زنان به هیچ‌عنوان سیامک را فرد غیرتی نمی‌دانند، اما با توجه به یافته‌های حاضر، بسیاری از خانواده‌های ایرانی رفتارهای مشابه سیامک را غیرت می‌دانند.

عنصر پنجم: نتیجه

در این بخش، راویان از راه‌حلهایی که برای بهبود روابط خود استفاده کرده‌اند، سخن به میان آورده‌اند که ازجمله آن، مراجعه به اورژانس و مددکاران اجتماعی، رفع ابهام برای آقا، توضیح دادن و توافق کردن، قطع رابطه با دوستان و فامیل، کنار آمدن با مسائل استفاده از کتاب و سی‌دی آموزشی برای بهبود روابط زناشویی و وساطت نزدیکان است. در ابتدا خانم‌ها سعی می‌کردند که از راه‌های مسالمت‌آمیز مانند مشاهده سی‌دی آموزشی و توافق در خصوص مسائل برای بهبود زندگی خود کمک بگیرند، اما زمانی که متوجه خطر جدی در زندگی خود می‌شوند، با مراجعه به اورژانس اجتماعی سعی در بهبود روابط خانوادگی می‌کردند. راویان تا زمانی که حرمت‌ها شکسته نشده بود، مایل به ادامه زندگی بودند، اما در صورتی که جسم و روان و آبروی خود را در خطر می‌دیدند، دیگر تمایلی برای ادامه زندگی نداشتند.

عنصر ششم: پایان‌بندی

در این پژوهش، راویان در پایان داستان زندگی خود، به سرانجام رابطه با همسر اشاره کردند که محقق آن را در عنصر پایان‌بندی قرارداد. از بین نمونه‌ها چهار نفر تصمیم قطعی به طلاق گرفتند. چهار نفر از زندگی فعلی خود راضی بودند و هشت نفر به شرط تغییر همسرشان و یا به خاطر فرزندشان مجبور به ادامه زندگی بودند. در اینجا می‌توان به نقش خانواده به‌عنوان یک نهاد

اجتماعی و نقش آن در شیوه و فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان پی برد. کدهای تبیینی حاصل از یافته‌های تحقیق نیز در جدولی آورده شده است:

جدول ۲. کدهای تبیینی بدست آمده از روایت‌ها

مراحل لبوف	کدهای تبیینی
۱	چکیده
۲	مردسالاری- شکاکیت- بدبینی
۳	حساسیت‌های آقا- کنش‌های خشونت‌آمیز
۴	غیرت به‌مثابه حمایت الزامی- صاحب مراقب- دزدگی حقیرانه- هویت مخدوش- بدن کبودشده درمانده- کودکان به‌مثابه کفتران دوبرجۀ فناشده
۵	نتیجه
۶	طلاق- سازش

نتیجه‌گیری

«غیرت» ارزشی فرهنگی در نظام خانواده ایران محسوب می‌شود. ارزش این پژوهش، آنجایی است که این مفهوم انتزاعی در بستر خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی و دیدگاه زنان متأهل ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از حیث اهمیت این موضوع در منابع اسلامی و روایات از غیرت تعبیرهای بسیاری آورده شده است که هر یک نشان‌دهنده اهمیت بالای غیرت در زندگی خانوادگی و اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که رسول اکرم (ص) فرمودند: «انَ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ».

در راستای هدف مقاله به‌منظور درک معنای زنان از غیرت مردانه در میان مخاطبان فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش مصاحبه‌روایی انجام شد. یافته‌ها با استفاده از تکنیک کمتر استفاده شده ویلیام لبوف در شش عنصر چکیده، جهت‌گیری داستان، گره‌افکنی، ارزیابی، نتیجه و پایان‌بندی مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفتند و از هر کدام از عناصر کد تبیینی به‌دست آمده است. روش تحلیل روایت با تکنیک لبوف، قادر است که تمام بخش‌های یک داستان را معنا بخشد. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان مورد مطالعه، «غیرت» را به‌مثابه «حمایت الزامی» درک می‌کنند؛ یعنی حمایتی مادی و معنوی که همراه با اعتماد، عدم حرمت‌شکنی، عدم بدبینی و عدم شکاکیت است. لازم به ذکر است زنان این نوع غیرت را برای زندگی خانوادگی خود لازم می‌دانند؛ زیرا آن را نماد دوست داشتن و علاقه همسر معنا می‌کنند. چنین معنایی از غیرت در هیچ‌کدام از تعاریف چه در منابع

فارسی و چه در منابع لاتین آورده نشده است و محققین پیشین تنها حفاظت و کنترل از همسر را مدتظر قرار داده‌اند، اما به‌زعم زنان، مردان غیرت را نوعی کنترل بر زنان دانسته و نتیجه آن تحمیل خشونت است. این عدم تقارن در فهم غیرت برای زوجین، بحران‌ساز است. در جامعه ایران که یک جامعه نسبتاً مردسالار و سنتی محسوب می‌شود، اگر تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه نشود، به‌جای غیرت، شاهد خشونت خانگی خواهیم بود.

خوانش مخاطبان نیز از فیلم نیز دوگانه است. برخی از روایان، با شخصیت «ملیحه» در فیلم احساس همدلی می‌کردند؛ چون زندگی شبیه او را تجربه کرده بودند و برخی دیگر فیلم را اغراق‌آمیز می‌دانستند. این امر نشان می‌دهد که درک مخاطبان از فیلم ملهم از تجربیات واقعی زندگی‌شان است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، کارکرد واقعی غیرت، حمایت از حریم زندگی خانوادگی و نه از هم پاشیدن آن است. این در حالی است که در این پژوهش، ما شاهد بدن‌های کبود تا روان‌های خسته هستیم. ما نمی‌توانیم تماشاچی آزار زنان باشیم و باید در اندیشه‌های سنتی و مردسالارانه در درون خانواده بازاندیشی کرد و از حقایق و دیدگاه‌ها و تفاسیر فردی نیز آگاه شد. اگر خواهیم جامعه در سطح کلان سالم باشد، باید از سطح خرد آن را بازسازی کنیم.

فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش نیز به دلیل موضوع آن یک اولویت فرهنگی است و می‌تواند راهگشای زوج‌های جوان به زندگی بهتر شود تا خانواده سالم‌تری را در جامعه داشته باشیم. ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی زنان راهگشای هیچ مشکلی در جامعه نیست. از طرف دیگر، ارتباطات والدین با یکدیگر در بروز مشکلات رفتاری کودکان نیز نقش دارد و این مشکلات بنابر آنچه در فیلم نیز نشان داده شد، در بزرگسالی تأثیرات مخربی مانند خیانت و خانواده‌گریزی را به همراه دارد.

با توجه به آنچه گفته شد و بنابر نظر پژوهشگر، تیم‌های اورژانس اجتماعی و وظایف مددکاران اجتماعی به‌صورت قوی‌تر در جامعه به خانواده‌ها علی‌الخصوص زوج‌های جوان معرفی شوند تا در صورت بروز مشکلات و در جهت بهبود روابط خانوادگی، از مددکاران اجتماعی کمک بگیرند. به علاوه نشان دادن فیلم‌های سینمایی از این دست می‌تواند جنبه فیلم درمانی اجتماعی داشته باشد. امید است این‌گونه پژوهش‌ها بتواند در تحکیم روابط خانوادگی کمک شایانی داشته باشد.

- احمدی، بتول و دیگران (۱۳۸۷) «دیدگاه زنان و مردان تهرانی و صاحب‌نظران دربارهٔ خشونت خانگی علیه زنان در ایران: یک پژوهش کیفی»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. تابستان، دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۱-۶۷.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰) فرهنگ‌عامه. ترجمهٔ ثریا پاک‌نژاد، چاپ اول، تهران: گام نو.
- اکبری دستک، فیض‌الله و دیگران (۱۳۹۷) «غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی»، مجله بصیرت و تربیت اسلامی. بهار، شماره ۴۴، صص ۹۷-۱۲۲.
- بستان نجفی، حسین (۱۳۹۰) نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تنهایی، روح‌الله (۱۳۸۸) هربرت بلومر و کنش متقابل گرایي نمادی، چاپ اول، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- حسینی، سید جواد (۱۳۹۳) «امام حسین (ع) و غیرت و رزوی و پاسداری از حریم خانواده»، فلسفه و کلام، پاییز، دوره ۹، شماره ۳۹۳، صص ۳۱-۲۹.
- خزان، نگار و وثوقی، منصور (۱۳۹۵) «تبیین جامعه‌شناختی تأثیرات مردسالاری بر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی زنان از خود و از زندگی زناشویی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، بهار و تابستان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۹۸-۵۷.
- دهقان سیمکانی، رحیم (۱۳۹۲) «نقش زنانگی در مقوله اخلاقی غیرت»، فصلنامه اخلاق، پاییز، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۱۰۶-۸۳.
- ذکایی، محمد سعید و شجاعی باغینی، نیما (۱۳۹۱) «مطالعه روش تحلیل ساختاری روایت در سینما»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، زمستان، دوره هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۳۷-۱۱۸.
- رودگر، نرجس و قاسمی سوته، زهرا (۱۳۹۴) «هنجارشناسی غیرت جنسی در اسلام از منظر روایات»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، بهار و تابستان، شماره ۲، صص ۹۰-۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. چاپ دوازدهم، تهران: سروش (انتشارات صدا سیما).
- ساسان پور، مهشید (۱۳۹۴) خشونت خانگی ماهیت، علل و راهکارهای مقابله با آن، چاپ اول، تبریز: نشر اختر.
- سلطانی، مرضیه و دیگران (۱۳۹۵) «مطالعه کیفی آسیب‌های تعاملی زنان مبتلا به همسر با حسادت مرضی از دیدگاه متخصصان بالینی خانواده»، مجله تحقیقات علوم رفتاری. آبان، دوره چهاردهم، شماره ۴، صص ۵۰۰-۴۹۴.

علی احمدی، امید (۱۳۹۶) «مدرنیته و بازنمایی خانواده در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی در ایران»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار، سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۵۹-۸۳.

کلاین برگ، اتو (۱۳۸۶) روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی محمدکاردان، ناشر: علمی فرهنگی. فرحانی‌زاده، مجید و محمدیان، عباس (۱۳۹۵) «جلوه‌های غیرت در متون عرفانی ادب فارسی (تا قرن هشتم)»، فصلنامه علمی پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی، پاییز، شماره ۲۸، صص ۶۵-۸۸. محمدی، جمال و رضایی، مریم (۱۳۹۱) «تحلیل جامعه‌شناختی روایت‌های سینمایی تعامل من/دیگری در فضای اجتماعی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پاییز، دوره نهم، شماره ۳۲، صص ۱۴۴-۱۷۱.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) مسئله حجاب. چاپ چهل و پنجم، تهران: انتشارات صدرا. موسوی، سید علی و حسینی، سید عبدالصیر (۱۳۹۴) «بررسی عوامل، زمینه‌ها و انواع جرائم ناموسی (بامطالعه موردی افغانستان)»، مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، پاییز و زمستان، شماره ۳۲، صص ۲۷-۴۸.

نازپرور، بشیر (۱۳۸۱) «همسر آزاری»، مجله زن در توسعه و سیاست، بهار، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴. نوح‌جاه، صدیقه و دیگران (۱۳۸۹) «شیوع خشونت خانگی علیه زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در استان خوزستان سال ۷۸-۱۳۸۶»، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، بهار، دوره پانزدهم، شماره ۸، صص ۲۷-۲۸۶.

نویدنیان، منیژه و شاملو، ابراهیم (۱۳۹۷) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر همسر آزاری با تأکید بر نقش نظام مردسالاری در خانواده»، مجله زن در توسعه و سیاست، تابستان، دوره ۱۶، صص ۱۴۷-۱۳۱.

Ahmadi, Betoul et al. (2007) "Perspectives of Tehrani men and women and experts on domestic violence against women in Iran: a qualitative study", Journal of the Faculty of Health and Health Research Institute. Summer, Volume 6, Number 2, pp. 67-81.

Akbari Dastak, Faizullah and et al (2017) "jealousy and its functions in religious teachings", Islamic Insight and Education Magazine. Bahar, No. 44, pp. 122-97.

Ali Ahmadi, Omid (2016) "Modernity and Representation of the Family in Movies after the Islamic Revolution in Iran", Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies, Spring, Year 14, No. 50, pp. 59-83.

Bostan Najafi, Hossein (2011) Inequality and sexual oppression from the perspective of Islam and feminism. 5th edition, Qom: Hoza and University Research Institute.

Dehghan Simkani, Rahim (2013) "The Role of Femininity in the Moral Category of Jealousy", Ethical Quarterly, Autumn, Volume 3, Number 11, pp. 83-106.

Farhanizadeh, Majid and Mohammadian, Abbas (2015) "Effects of zeal in mystical texts of Persian literature (up to the 8th century)", scientific research quarterly of mysticism in Persian literature, Fall, number 28, pp. 65-88.

Hosseini, Seyyed Javad (2013) "Imam Hussein and jealousy and protection of family privacy", Philosophy and Kalam, Autumn, Volume 9, Number 393, pp. 29-31.

- Khazan, Negar and Vosoughi, Mansour (2015) "Sociological explanation of the effects of patriarchy on the feeling of relative deprivation and alienation of women from themselves and from married life", *Journal of Social Issues of Iran*, Spring and Summer, Volume 7, Number 1, pp. 57-98.
- Kleinberg, Otto (2006) *Social psychology*. Translated by Ali Mohammad Kardan, Publisher: Imi Farhani.
- Mohammadi, Jamal and Rezaei, Maryam (2017) "Sociological analysis of cinematic narratives of self/other interaction in the social space", *Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies*, Fall, Volume 9, No. 32, pp. 144-171.
- Motahari, Morteza (1996) *Hijab issue*. 45th edition, Tehran: Sadra Publications.
- Mousavi, Seyyed Ali and Hosseini, Seyyed Abdul Basir (2014) "Investigation of factors, contexts and types of honor crimes (with a case study of Afghanistan)", *Studies in Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law*, Autumn and Winter, No. 32, pp. 27-48.
- Navidenia, Manijeh and Shamlou, Ebrahim (2017) "Investigation of social factors affecting spousal abuse with emphasis on the role of patriarchal system in the family", *Women in Development and Politics Magazine*, Summer, Volume 16, pp. 131-147.
- Nazparvar, Bashir (2008) "Wife Abuse", *Women's Development and Politics Magazine*, Spring, No. 3, pp. 25-44.
- Nohjah, Sedighe and others (2010) "Prevalence of domestic violence against women and some factors related to it in Khuzestan province in 1386-78", *scientific research monthly of Kermanshah University of Medical Sciences*, spring, 15th volume, number 8, pp. 27-286.
- Rodger, Narjes and Ghasemi Sote, Zahra (2014) "The Normology of Sexual Zeal in Islam from the Perspective of Narratives", *Islamic Studies of Women and Family*, Spring and Summer, No. 2, pp. 7-90.
- Sarukhani, Baqer (2008) *An introduction to family sociology*. 12th edition, Tehran: Soroush (Seda Sima Publishing House).
- Sasanpour, Mahshid (2014) *Domestic violence, its nature, causes and solutions*, first edition, Tabriz: Akhtar Publishing.
- Soltani, Marzieh and others (2015) "Qualitative study of interactive injuries of women suffering from morbid jealousy from the perspective of family clinical specialists", *Research Journal of Behavioral Sciences*. November, Volume 14, Number 4, pp. 494-500.
- Strinati, Dominique (2010) *Public culture*. Translated by Soraya Paknejad, first edition, Tehran: Gam Nu.
- Tanhai, Ruhollah (2009) *Herbert Bloomer and symbolic interactionism*, first edition, Tehran: Bahman Barna Publications.
- Zokai, Mohammad Saeed and Shujaei Baghini, Nima (2013) "Study of the method of structural analysis of narrative in cinema", *Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies*, Winter, Volume 8, Number 29, pp. 118-137.